

## سوگوارى

چه شد که باز بدهر انقلاب می بینم  
 قرین محنت و غم شیخ و شام می بینم  
 هلال ماه محرم یدید گشت از او  
 بدهر شورش روز حساب می بینم  
 روانه سیل ستم از کدام سواست کز او  
 بنای خانه دین را خراب می بینم  
 زهر کجا گذرم شور و مانعی بر پاست  
 چه مانعی است کز او دل کباب می بینم  
 خمیده پشت هلال محرم است ز غم  
 و زو نشانه قدرباب می بینم  
 بگر بلاچو گذر میکنم گروهی را  
 فتاده در بهم خون چون حباب می بینم  
 بخیمه کاه حسین شورشی ز اطفالش  
 بیاز تشنگی و قحط آب می بینم  
 در بدیده اسلام را چه بنجه کفر  
 از آب حرم نبی بی نقاب می بینم  
 ز ماتم شه دین جای اشک خون جگر  
 روان زدیده بروی [شباب] می بینم

## جامع اموی

در بستان السیاحه است که دمشق شهر است معمور و بلده ایست مشهور از اقلیم سوم طوالت از جزایر خالدات (نج) عرضش از خط استوا (الجز) (۱) بعضی گویند که حضرت نوح بعد از طوفان اول شهری که بنا نمود دمشق بود بعضی گویند که ضحاک نازی آن شهر را احداث نمود و جمعی بر آنند که عاد بن عوص بن سام آن شهر را بنا نموده و بقولی بامر اسکندر اول دمشق نامی آنرا بنا نموده و بنام خود مسمی گردانید و فرقه معتقدند که نمرود غلامی دمشاق نام بحضرت ابراهیم خلیل بخشید و آنغلام بامر آنحضرت آنجا را بنا کرد ، و بروایت سلیمان بن داوود آن شهر را ساخت و برخی گفته اند که دمشق بن قاین بن مالک بن ارفحشد بن سام

[۱] طول شرقی دمشق از جزایر خالدات (۷۰ درجه - صفر دقیقه) و عرض شمالی آن از خط استوا (۳۳ درجه ۱۵ دقیقه) آنچه فوقاً نقل شده ظاهراً اشتباه باشد و این بحسب رأی قدما است مانند خواجه و آلف یک که در زبجهای خود ذکر فرموده اند و با متأخرین قدری تفاوت دارد

آشهر را بنا نموده و عده بر آنند که دعا شق ولد عمرو بن کثعمان بنا نموده و بعضی گویند که زرکان یونان با اتفاق یکدیگر آنجا را بنا نهادند - تا آنکه مینویسد که دوازده هزار باغ و ده هزار دکان موبانی در آن شهر است - جامع اموی که مشهور جهان و معروف در نزد اهل زمان است در وسط شهر واقع شده و چهل ستون یکپارچه دارد که از سنگ رخام است و بلندی ستونها نه گز کم و بیش و قطرش هیجده و جب ' و پنج مناره دارد و سقف مسجد شیروانی پوش است و شش هزار قندیل در آن مسجد است و در شش محل آن درس گفته میشود و در روزهای جمعه بعد از فراغ از نماز در هفت موضع آن حلقه ذکر جلی منعقد است و طول مسجد پانصد و چهل هفت گام است و عرضش صد و پنجاه گام و مداخل موقوفات آن روزی سیصد مثقال طلا است که بمقدار ضرورت صرف نموده تنمه را مخزون مینمایند و قرآنی بخط امیر المؤمنین (ع) و قرآنی بخط عثمان در آنجا مع است و کتب بسیار از هر علم در آن موجود است و حضرت یحیی بن زکریا در سمت شرقی شبستان آن مدفونست و زیارتگاه هر عالی و دانی است و بر يك دروازه آن که باب مروانش گویند سر مبارك یحیی و سایر حضرت سید الشهداء (ع) آویخته شده ، این جامع قدیم الایام بت خانه بوده و بعد کلیسا شده ، ولید بن عبد الملك مروان آن را مسجد جامع نمود و در تاریخ شام نوشته است که شش هزار دینار زر سرخ در آن مسجد خرج کرده و در صور اقالیم مذکور است که معادن محصول پنجسال ملك شام در آن صرف شده و در ناسخ التواریخ و رحله ابن بطوطه در کیفیت بنای این مسجد و مصارف آن چیزها نوشته اند که خالی از غرابت نیست و نیز در ناسخ بعد از بیان کیفیت بناء این جامع اسلامی چنین رقم نموده که از

عجائب اتفاقات آنکه در این سال ۱۳۱۱ هجری در ماه ربیع الاول یا ربیع الثانی این مسجد عالی که از هزار و دوست سال افزونست که از بنیان آن گذشته و همیشه معمور و آباد بوده؛ بیک نهیب حوادث روزگار تماماً سوخته و منهدم گردید - و تفصیل این وقعه را چنانچه کار برداز دولت علیه ایران مقیم در شام بوزارت امور خارجه ایران نگاشته قسمتی از آن عیناً در اینمقام درج میشود

و حادثه بزرگی که در این هفته در شام واقع شده است سوختن جامع اموی است که بفاصله دو سه ساعت بالمره سوخت و خاکستر شد و ستونهای سنگ تراش یکپارچه تماماً مانند آهک ریخته و شکسته گردید فقط چهار ستونی در زیر قبه بارگه است باقی مانده که میگویند آنهم اعتباری ندارد و احتمال کلی میرود که بمجرد وصول باران آن قبه هم خراب شود؛ در بیرون جامع اطراف حیاط شکل ایوان که از چهار طرف مسقف و در آنها درهای حجرات مدرسین و طلاب واقع است که بکطرفش مقام مقدس رأس الحسین است اطراف دیگر این ایوان سوخته فقط آن طرفیکه مقام رأس الحسین است سالم مانده و با وجود اینکه ایوان جلو مقام شیخ سلیم عطار است و در ماه رمضان در آنجا وعظ میکردند سوخته ولیکن آتش از پنجره اطاق ابداء سرایت نکرده خادم مقام مبارک در آن اطاق بوده هنگامیکه مسجد و ایوان شعله ور گشته هر چه باو نهیب داده اند که فرار کنند گوش نداده و از جای خود حرکت نکرده و گفت هر گاه بنا است این مقام مقدس هم بسوزد من نیز باکی از سوختن ندارم حاصل آنکه مقام مبارک رأس الحسین بهمان حال باقی حتی فرش و چراغ و سایر اسبابیکه در آن بوده بهیچ وجه آسیب و زبانی وارد نیامده است